



Retrial of Criminal Proceedings Based on DNA Testing (Interaction of Criminal Law and Medicine to Realize Reality)

Shervin Kakwan¹, Rajab Goldoust Jouybari^{2*}, Amir Hassan Niazpour², Shadi Azimzadeh¹

1. Department of Law, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: DNA testing is one of the tools that have received attention in the field of criminal law and criminology in recent years. The purpose of the present research is to analyze the restoration of criminal proceedings based on DNA testing.

Method: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The knowledge obtained from the DNA test, is obtained through an intermediary (expert) and not directly for the judge; the basic challenge related to the impossibility of accepting the said tests as one of the definitive reasons for proving the crime is the same issue.

Conclusion: The results of the research show that the DNA test can be considered as a decisive basis for resuming the judicial proceedings as well as the resumption of the official proceedings (by the convict), but the said test for the resumption of the official proceedings (from the side of the plaintiff) is considered a presumptive or inconclusive basis.

Keywords: Retrial of Proceedings; Evidence of Criminal Proof; DNA Test; Medical Law

Corresponding Author: Rajab Goldoust Jouybari; **Email:** r-goldoust@sbu.ac.ir

Received: October 05, 2023; **Accepted:** February 26, 2024; **Published Online:** March 02, 2024

Please cite this article as:

Kakwan SH, Goldoust Jouybari R, Niazpour AH, Azimzadeh SH. Retrial of Criminal Proceedings Based on DNA Testing (Interaction of Criminal Law and Medicine to Realize Reality). *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e61.



مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



اعاده دادرسی کیفری بر پایه آزمایش دی ان ای (تعامل حقوق کیفری و پزشکی برای تحقق واقعیت)

شروین کاکوان^۱، رجب گلدوست جویباری^{۲*}، امیرحسین نیازپور^۳، شادی عظیمزاده^۴

۱. گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: آزمایش دی ان ای یکی از ابزارهایی می‌باشد که در سال‌های اخیر در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، تحلیل اعاده دادرسی کیفری بر پایه آزمایش دی ان ای می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: علم حاصل از آزمایش دی ان ای با واسطه (کارشناس) و نه به صورت مستقیم برای قاضی حاصل می‌شود؛ چالش اساسی در ارتباط با عدم امکان پذیرش آزمایش‌های مزبور در قامت یکی از دلایل قطعی اثبات جرم همین موضوع می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آزمایش دی ان ای می‌تواند مبنای قاطع برای اعاده دادرسی جهت‌مدار و نیز اعاده دادرسی مقام‌مدار (از سوی محکوم‌علیه) محسوب شود، اما آزمایش مزبور برای اعاده دادرسی مقام‌مدار (از سوی شاکی) مبنای ظنی یا غیر قاطع محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: اعاده دادرسی؛ ادله اثبات کیفری؛ آزمایش دی ان ای؛ حقوق پزشکی

نویسنده مسئول: رجب گلدوست جویباری؛ پست الکترونیک: r-goldoust@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kakwan SH, Goldoust Jouybari R, Niazipour AH, Azimzadeh SH. Retrial of Criminal Proceedings Based on DNA Testing (Interaction of Criminal Law and Medicine to Realize Reality). Medical Law Journal. 2023; 17(58): e61.

مقدمه

در هر نظام حقوقی، تئوری حکومت قانون به عنوان رکن اساسی آن محسوب می‌گردد. تئوری حکومت قانون دارای چند اصل بسیار مهم، از جمله شفافیت حقوقی، جزمیت حقوقی، دسترسی به عدالت و دسترسی به دادگستری و... است. اصل قطعیت آرای قضایی در حوزه حقوق شکلی، از بطن عنصر جزمیت حقوقی ایجاد شده است. مقصود از اصل مزبور این است که آرای صادره توسط مراجع قضایی پس از صدور و قطعیت یافتن، باید به مرحله اجرا درآیند. مع الوصف، دادرسان در هر نظام قضایی از یکسو انسان می‌باشند و مصون از اشتباه و خطا نیستند؛ از سوی دیگر نیز دادرس نمی‌تواند فراتر از الزامها و سازوکارهای قانونی حرکت کند. این مسائل باعث می‌شود که طرق خاص و فوق‌العاده‌ای جهت رسیدگی به اعتراض به آرا وجود داشته باشد که اعاده دادرسی، در زمره این سازوکارها است. مبنای اعاده دادرسی این است که اشتباه قضایی برای رأی صادره ایجاد شود. از منظر نوع اشتباه قضایی وارده و نیز فرآیند انجام آن، اعاده دادرسی به دو قسم اعاده دادرسی جهت‌مدار (موضوع ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری) و اعاده دادرسی مقام‌مدار (موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری) تقسیم می‌شود.

در نظام حقوق کیفری، متغیر اصلی در رسیدگی، وقایع موجود در پرونده است. احراز و اثبات وقایع، رابطه تنگاتنگی با پیشرفت علوم نوین دارد. این همبستگی به این دلیل است که پیشرفت علوم و تکنولوژی، در گذر زمان ابزارهای جدیدی در اختیار سیستم قضایی می‌گذارد که با تمسک به آنها، به حقیقت امور دست پیدا کند. برخی از ابزارهایی که به وسیله علم در اختیار بشر قرار گرفته‌اند، در حال حاضر به سیستم قضایی راه پیدا کرده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از این ابزارها، آزمایش دی‌ان‌ای می‌باشد. در دهه اخیر روش‌های مختلفی برای تجزیه دی‌ان‌ای مورد استفاده قرار گرفته، این اهمیت و ضرورت به این دلیل است که دی‌ان‌ای دارای قدرت پایداری و افتراق زیادی می‌باشد که بسیار در تحقیقات جنایی حائز اهمیت است. در تمسک به ابزارهای مذکور و به خصوص

در سیستم حقوق کیفری، باید توجه داشت که برای اثبات جرائم، رویکرد حصر دلایل بر قوانین و مقررات این حوزه حاکم است. این بدان معناست که پیرو چارچوبی که بر اساس اصل برائت تنظیم گشته است، در راستای اثبات جرم، صرفاً می‌توان به دلایل محصوره که در قانون ذکر گشته است، تمسک نمود، در حالی که متهم، برای رفع اتهام خود، می‌تواند به هر دلیلی (نظام دلایل نامحصور) استناد کند که لزوماً در زمره موارد ذکر شده در قانون نیستند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای علمی، آزمایش دی‌ان‌ای است که در موارد متعددی می‌تواند راهگشا باشد. پرسشی که در پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به آن هستیم این است که با توجه به توضیحات فوق، آیا آزمایش دی‌ان‌ای می‌تواند مبنای فرآیند اعاده دادرسی قرار بگیرد؟

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: محب‌الرحمان و همکاران در مقاله تحت عنوان «نقش آزمایش دی‌ان‌ای در حقوق خانواده و رویه قضایی با تأکید بر نهاد لعان»، به بیان این مطالب پرداخته‌اند: قید دو ماه، در قرآن و سنت نیامده است و ادله مستحکمی ندارد و اکثر فقیهان، از جمله محقق حلی، شهید اول، علامه حلی، شهید ثانی، صاحب جواهر و امام خمینی (ره) صراحتاً این قید را نفی کرده‌اند. بهتر است قانونگذار قید دو ماه در ماده ۱۱۶۲ را حذف کند تا هر زمانی که دادگاه به استناد آزمایش دی‌ان‌ای به نبود رابطه ابوت یقین پیدا کرد، حکم به نفی نسب بدهد و از این طریق، حفظ نسل و نسب که یکی از نگرانی‌های ذهنی اشخاص و یکی از مقاصد شریعت است، تقویت شود (۱).

یزدانی‌پور و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل فقهی - حقوقی حجیت آزمایش دی‌ان‌ای در اثبات نسب»، به بیان این مطالب پرداخته‌اند: با توجه به اهمیت نسب در حفظ نظام خانواده و ثبات نسل‌ها، اهتمام شارع و قانونگذار همواره بر حفظ آن در سایه تقنین بوده است. از این رو در فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی برای اثبات نسب پدری که به دلیل پنهانی بودن منشأ آن به مراتب دشوارتر از نسب مادری است، دلایل متعددی، مانند قاعده فراش، اقرار، شهادت و... را تعیین کرده است و حتی در فرض نبودن دلایل قوی‌تر به لحاظ کشف واقع، قائل به قابلیت استناد به ضعیف‌ترین ادله هم

شده است را می‌سنجد و اوست که تصمیم می‌گیرد که آیا این دلایل می‌توانند بار حقوقی داشته باشند یا خیر؟ (۳).

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علم حاصل از آزمایش دی‌ان‌ای به عکس سایر ادله اثبات دعوی کیفری، با واسطه (کارشناس) و نه به صورت مستقیم برای قاضی حاصل می‌شود، چالش اساسی در ارتباط با عدم امکان پذیرش آزمایش‌های مزبور در قامت یکی از دلایل قطعی اثبات جرم همین موضوع می‌باشد.

بحث

۱. مفهوم اعاده دادرسی: در یک نظام حقوقی سازمان یافته و مترقی اهمیت قواعد شکلی قطعاً از قواعد ماهوی کمتر نمی‌باشد و لازمه رسیدن به قواعد عادلانه از طریق بررسی ماهوی این قواعد شکلی می‌باشند. اعاده دادرسی یکی از طرق فوق‌العاده اعتراض است؛ این نهاد به هدف اصلاح خطای قضایی که زیربنای مشروعیت نهاد اعاده دادرسی است، به وجود آمده و در مقام تعارض با قاعده اعتبار امر مختوم قوی‌تر است. در همه نظام‌های حقوقی آن را پذیرفته‌اند و مورد تأیید قرار گرفته است. مهم‌ترین غایت دادرسی اطمینان از نیل به عدل و قسط می‌باشد و دادرسی، همانند دیگر افراد مصون از لغزش و خطا در محاسبه نیست، در صورتی که در نتیجه

چون قرعه است. در این میان با توجه به عدم حصری بودن ادله اثبات نسب و نحوه عملکرد شارع در این حوزه، جایگاه روش‌های دقیق علمی چون آزمایش دی‌ان‌ای که از اهم کاربرد آن در علم ژنتیک، اثبات نسب و تعیین رابطه ابوت می‌باشد، قابل تأمل و بررسی است، لذا با توجه به نظریات فقها و حقوقدانان و استناد به ادله اصولی و فقهی، از جمله حجیت قطع و علم عرفی، حجیت این آزمایش در اثبات نسب به لحاظ شرعی و قانونی قابل اثبات است (۲).

نصیری و مسگری حق در مقاله «مطالعه علمی فقهی و حقوقی نقش دی‌ان‌ای در اثبات جرائم»، به بیان این مطالب پرداخته‌اند: در جهان امروز پشتوانه استقلال واقعی هر ملت، میزان برخورداری آن ملت از علوم و فنون تشکیل می‌یابد. با توجه به گسترش جرم و جنایت در جوامع امروزی بدون تجهیز قوه قضاییه به روش‌های علمی کشف جرم آن ملت در مبارزه با جرائم و مجرمین نمی‌تواند آنگونه که باید پیروز باشند. تعیین هویت ژنتیک دستاوردی مهم از حقوق پزشکی در حقوق کیفری و به عنوان روش مدرن برای مقابله با بزه‌کاری امروز بوده است، کاربرد آن نه تنها می‌تواند برای بررسی بقایای باقی‌مانده بیولوژیک به فاصله کوتاهی از زمان ارتکاب جرم مطرح باشد، بلکه پس از سپری شدن سالیان متمادی از زمان ارتکاب جرم نیز قابل استفاده است. نمایان دی‌ان‌ای وسیله‌ای ارزشمند در دست کارآگاهان پلیس است که به کمک آن، کشف جرم و مجرمین با سرعت، دقت و قطعیت بیشتری صورت می‌گیرد، در فرآیند تهیه و کاربرد این نمایان از فناوری رایانه و اطلاعات به خوبی استفاده شده است. در این فرآیند یک بارکد ژنی به نمونه اختصاص می‌یابد و بدین ترتیب مقایسه نمونه به آسانی انجام می‌شود. در حقوق اسلام نیز که علم قاضی از حیث مفهوم با نظام دلایل معنوی مترادف است. چنانچه از طریق متعارف و یا علمی کسب شود و با شهادت شهود مغایرت داشته باشد، قاضی باید در حل و فصل دعوی کیفری از علم خود استفاده کند. در واقع قاضی با آزادی کامل ارزش ادله‌ای را که در جریان دادرسی به وی ارائه

دادرسی حکمی صادر شود که با خطا همراه باشد، تردیدی نیست که باید به طور مجدد مورد رسیدگی قضایی قرار گیرد. بنابراین برای اینکه رأی دادگاه‌ها مصون از خطا باشد، اعاده دادرسی پیش‌بینی شده است (۴).

اعاده در لغت به معنی برگشت، تکرار و از سرگرفتن، دوباره و بازگرداندن است (۵). دادرسی عبارت است از به داد کسی رسیدن، به دادخواهی شخصی رسیدگی کردن و اصطلاحاً رشته‌ای از حقوق است که هدف آن تبیین قواعد راجع به صلاحیت و ضوابط و ترتیب رسیدگی به دعوی و اجرای احکام است. مقصود از اعاده دادرسی رسیدگی ماهوی مجدد به دعوی است که منتهی به حکم قطعی گردیده، در همان مرجع صادرکننده حکم. در تعریف اعاده دادرسی گفته شده است: «اعاده دادرسی یکی از طرق فوق‌العاده شکایت از آرا می‌باشد که مختص احکام بوده و رسیدگی مجدد به دعوا را نزد مرجع صادرکننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی امکان‌پذیر می‌نماید، در نتیجه از طرق شکایت عدولی محسوب می‌شود» (۶) و «اعاده دادرسی نوعی از دادرسی فوق‌العاده است که به موجب آن ذی‌نفع در دعوا از دادگاه بدوی یا دادگاه استینافی که در رسیدگی پژوهشی حکم بدوی را نقض کرده است، درخواست می‌کند که در حکم خود تجدید نظر کند» (۷).

رسیدگی مجدد به یک پرونده به طور عمده بر اساس ادله اثبات است؛ ادله‌ای که در زمان محاکمه یا در دسترس نبوده‌اند و یا جعلی شناخته شدند (۸). با بررسی سابقه تقنینی اعاده دادرسی به نظر می‌رسد که اصل اعاده دادرسی از حقوق روم اقتباس گردیده و در فرانسه نیز قبل از انقلاب دستور آن از طرف پادشاه صادر می‌گردید. بعد از انقلاب کبیر فرانسه سه مورد از موارد اعاده محاکمه صریحاً در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش‌بینی شده و قانون بیستم ژوئن ۱۸۹۵ نیز یک مورد را به موارد قبل اضافه کرده است (۹). نهاد اعاده دادرسی کیفری در نظام حقوقی فرانسه حال حاضر در مواد ۶۲۲ تا ۶۲۶ قانون دادرسی کیفری تحت عنوان «درخواست‌های اعاده دادرسی» اصلاحی قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۸۹ پیش‌بینی شده است (۱۰).

با در نظر گرفتن مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، از منظر نوع اشتباه قضایی وارده و نیز فرآیند انجام، اعاده دادرسی به دو قسم اعاده دادرسی جهت‌مدار (موضوع ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری) و اعاده دادرسی مقام‌مدار (موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری) تقسیم می‌شود. در اعاده دادرسی جهت‌مدار بر اساس ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، شخص می‌تواند ذیل جهات خاصی که در ماده مذکور توسط مقنن محصور گشته است، درخواست اعاده دادرسی مطرح نماید. اعاده دادرسی مقام‌مدار، مطابق ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری، در مواردی است که رییس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد؛ نکته شایان ذکر در خصوص تفاوت این دو قسم از اعاده دادرسی این است که در نوع اول - یعنی اعاده دادرسی جهت‌مدار - در راستای اصل برائت و مطابق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً می‌توان درخواست اعاده را، در اعتراض به حکم محکومیت مطرح نمود و اعتراض به حکم برائت، مورد پذیرش مقنن نیست؛ این در حالی است که در اعاده دادرسی مقام‌مدار، شخص اعم از شاکی یا محکوم‌علیه می‌تواند نسبت به هر حکمی (اعم از محکومیت و یا برائت متهم) درخواست اعاده دادرسی تقدیم نماید.

۲. مفهوم دی‌ان‌ای و کاربرد آن در علوم جنایی: اسید دزوکسی ریبونوکلیک یا به طور اختصار دی‌ان‌ای یک اسید نوکلئیک است که حاوی دستورهای ژنتیکی مورد استفاده برای رشد و نمو و کارکرد همه جانداران است. نقش اصلی مولکول دی‌ان‌ای ذخیره درازمدت اطلاعات ژنتیکی است. دی‌ان‌ای را اغلب با مجموعه‌ای از نقشه‌ها مقایسه می‌کنند، چراکه حاوی دستورهای مورد نیاز برای ساخته شدن تمام اجزای دیگر سلول‌ها مانند مولکول‌های پروتئین و آران‌آ - اسید ریبونوکلیک - است. این مولکول شامل اطلاعات حیاتی است که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شوند. کثرت انواع چیدمان در مولکول دی‌ان‌ای، باعث کثرت تنوع خلق و خو، اندام، رنگ پوست و مو، قد و... در انسان‌ها و سایر جانداران می‌شود. اینکه افراد نسبت به داروها و محرک‌ها واکنش‌های

جرم‌شناسان امکان می‌دهد تا به تعیین هویت افراد مرتبط در جرم، تشخیص محل جرم و ارائه شواهد قوی‌تری بپردازند. این اطلاعات می‌توانند در تحقیقات جرم‌شناسی به دستیابی به نتایج دقیق‌تر و مؤثرتر کمک کنند (۱۵). لازم به ذکر است، کیفیت دی‌ان‌ای و نوع آنالیز مولکولی بر میزان اعتبار و قاطعیت مدرک استنادی در دادگاه تأثیر خواهد داشت (۱۶).

۳. علم قاضی: در این که منظور از علم قاضی چه نوع علمی است و چه نوع علمی مبنا و ملاک صدور حکم قرار می‌گیرد، اجماعی در بین نبوده و نظریه‌های مختلف و متفاوتی از سوی فقها و حقوقدانان ارائه شده که برخی از آنان در ادامه ذکر می‌گردند:

در پاره‌ای از نوشته‌های حقوقی علم قاضی دارای سه قسمت مطرح شده: - علمی که برای تصدی شغل قضا لازم است، شامل مواردی چون آگاهی قاضی بر فقه، اصول تفسیر قرآن کریم، مبادی عربی، حقوق عرفی، روان‌شناسی، پزشکی قانونی، جامعه‌شناسی، روان‌پزشکی و آشنایی با عهدنامه‌ها و مقررات سایر کشورهای جهان است؛ - علم و دانشی که قاضی در اثر تجربیات شخصی و به عنوان عضوی از اجتماع کسب می‌نماید؛ - علمی که قاضی پس از مطالعه و تدقیق در موضوع مطروح در دادگاه و پرداختن به اظهارات افراد دخیل در آن کسب می‌نماید و بر همان اساس اقدام به صدور رأی می‌نماید. رأی صادر شده توسط وی باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشد.

مهم‌ترین دلیل اثبات دعوی ایجاد اطمینان در وجدان قاضی و حصول یقین (ایقان) برای او می‌باشد. در اصل می‌توان بیان نمود که معیار حجیت ادله دیگر هم با متغیر ایجاد اقتناع وجدانی برای قاضی سنجیده می‌شود، زیرا همانطور که جوهره قانون پاسداری از عدالت است. جوهره دلیل نیز ایجاد علم در وجدان قاضی است. گرچه در میان فقها، در خصوص حجیت علم قاضی اختلاف نظر وجود دارد و در این رابطه چهار نظر ارائه شده است. گروهی آن را مطلقاً حجت دانسته؛ گروه دوم مطلقاً هیچ‌گونه حجیتی برای آن قائل نیستند؛ گروه سوم، علم قاضی را در حق‌الله حجت دانسته، ولی در مورد حق‌الناس قائل

متفاوتی نشان می‌دهند، به دلیل تفاوت چیدمان مولکول دی‌ان‌ای در هسته سلول بدن ایشان است (۱۱). چیدمان مولکول دی‌ان‌ای در هسته سلول بدن دو انسان تا حدود بسیار زیادی شبیه به هم است، ساختار و وظیفه سلول‌ها تفاوت عمده‌ای ندارند، بلکه رفتار سلول‌ها در شرایط مختلف تغییر می‌کند. اینکه هر سلول چه وظیفه‌ای را انجام دهد و چه رفتاری از خود نشان دهد، توسط یک کد تعیین می‌شود که بین سلول‌های یک بافت متحدالشکل است. هر سلول با تولید مثل، کد دی‌ان‌ای را به سلول جدید منتقل می‌کند و به این ترتیب، سلول جدید دستورالعمل و وظایف خود را می‌داند و با سایر سلول‌ها همکاری می‌کند. «دی‌ان‌ای» ماده اصلی ژنتیک است و فاکتورهایی را که موجودات زنده از نسل‌های قبل از خود به ارث می‌برند را باید در ساختار دی‌ان‌ای ایشان جستجو کرد (۱۲). با توجه به اینکه اطلاعات ژنتیکی هر فرد منحصر به خود او است و هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند و از بین نمی‌رود، بهترین روش برای شناسایی به نظر می‌رسد و تفاوت میان افراد از تفاوت میان اطلاعات ژنتیکی آن‌ها ناشی می‌شود. در دهه اخیر روش‌های مختلفی برای تجزیه دی‌ان‌ای مورد استفاده قرار گرفته، این اهمیت و ضرورت به این دلیل است که دی‌ان‌ای دارای قدرت پایداری و افتراق زیادی می‌باشد که بسیار در تحقیقات جنایی حائز اهمیت است. بیشتر دادگاه‌ها متدولوژی آزمایش دی‌ان‌ای را قبول دارند و برخی نیز با آن مخالف هستند. در واقع این مخالفت‌ها از جایی نشأت می‌گیرد که مربوط به جمع‌آوری، نگهداری و نحوه انتقال شواهد بیولوژیک و نه اصل آزمایش مورد نظر است (۱۳).

یکی از مهم‌ترین ارتباطات بین ژنتیک و جرم‌شناسی، استفاده از تحلیل دی‌ان‌ای در تشخیص جرائم است. با تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه ژنتیک و توانایی تعیین اثر انگشت ژنتیکی دی‌ان‌ای افراد، این ابزار به جرم‌شناسان امکان می‌دهد تا دقیق‌ترین اطلاعات را از محل جرم و همچنین هویت افراد مرتبط در جرم را تعیین کنند (۱۴). این اطلاعات می‌تواند به دست‌آوردن شواهد قوی‌تر و رسیدن به نتایج قطعی‌تر در روند تحقیقات جرم‌شناسی کمک کند. تحلیل دی‌ان‌ای به

به عدم امکان تمسک قاضی به علم خود شده‌اند؛ در نهایت دسته چهارم عکس نظر گروه سوم قائل به حجیت علم قاضی در حق الناس شده و در حق الله آن را دلیل نمی‌دانند. مشهور بین فقهای امامیه نظر اول است، یعنی علم قاضی چه در حق الله و چه در حق الناس اعم از امور مدنی و امور جزایی دارای حجیت می‌دانند (۷، ۱۰).

برای دستیابی به مفهوم علم قاضی در حقوق ایران، می‌توان به ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی رجوع نمود. مقنن در این ماده بیان می‌دارد: «علم قاضی، عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی، مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.» در حقوق موضوعه ایران که مبنا و اساس فقهی دارد، قاضی می‌تواند بدون بنیه و اقرار و سوگند طبق علم خود عمل نماید و علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی پذیرفته شده است.

۴. دی‌ان‌ای و علم قاضی در نظام حقوقی ایران: آزمایش دی‌ان‌ای یکی از آزمایش‌های ژنتیکی جدید است که در مباحث متنوع حقوقی مانند حقوق جنایی و... در نظام حقوقی کشورهای مختلف کاربرد زیادی پیدا کرده است. در حقوق ایران طی بخشنامه مصوب ۱۳۸۰/۹/۵ قوه قضاییه، بخشنامه پزشکی قانونی در مورد «دی‌ان‌ای» به شماره ۱۰۷۱۱۳۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۱ به قضات ابلاغ شده و از آن‌ها خواسته شده است که در مواقع لزوم از این توان پزشکی قانونی استفاده نمایند. در ایران در سازمان پزشکی قانونی از سال ۱۳۷۴ بخش دی‌ان‌ای ایجاد گردید و موجب شد که ارجاعات صورت گرفته از سوی دادگاه دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند (۱۷).

با پیشرفت روزافزون فرصت‌های ارتکاب جرم و ورود تکنولوژی‌های نو در میان مردم، هر روزه بزه‌کاری افزایش پیدا کرده است، اما با استفاده از دانش‌های کاربردی می‌توان این مسیر را برای بزه‌کاران سخت کرد و به مقابله با بزه پرداخت. متأسفانه در رویه حاکم مراجع رسیدگی‌کننده از روش‌های

منسوخ‌شده برای مقابله با بزه استفاده می‌کنند. با در نظر گرفتن علوم مرتبط می‌توان روش‌های جدیدی برای کشف جرائم و علل وقوع و احراز آن‌ها پیدا کرد. علوم بین‌رشته‌ای به این دلیل به وجود آمد که به نظر رسید هر یک از علوم مختلف بخشی از فرآیند وقوع بزه را تکمیل کرده‌اند، از جمله علوم بین‌رشته‌ای می‌توان به علم اقتصاد جرم و جنایت، روان‌شناسی جنایی، پزشکی قانونی، جامعه‌شناسی اعتیاد و... اشاره کرد. با ورود علوم جدید مانند ژنتیک روش‌های جدیدی کشف شد که در تجزیه و تحلیل وقایع به فعالان در این حوزه کمک کرد (۱۸)، زیرا ژن‌ها نه تنها در شکل‌گیری صفات فیزیکی، بلکه در ایجاد رفتارها و بیماری‌های روانی نیز نقش دارند (۱۹).

متأسفانه حقوق ایران با تحولاتی که در دنیا و علوم مختلف اتفاق می‌افتد در حال تغییر و پیشرفت نیست (۲۰). در حال حاضر از مواردی که در نظام حقوقی ایران از آن کمک گرفته می‌شود و به وسیله آن به چالش‌های مطرح‌شده پرداخته می‌شود، نقش آزمایش دی‌ان‌ای در اثبات جرائم و اثبات نسب است. با در نظر داشتن این امر که ادله‌ای که برای اثبات نسب به کار می‌روند، محصور نمی‌باشند و با عنایت به شیوه‌ای که مقنن در این زمینه اتخاذ نموده است، جایگاه شیوه‌های علمی مانند آزمایش دی‌ان‌ای که معمولاً در زمینه‌های علم ژنتیک، اثبات نسب و تعیین رابطه ابوت، تشخیص هویت کاربرد دارند، درخور توجه و تدقیق می‌باشد. باید عنایت داشت برای ایجاد وجهه قانونی و شرعی به این دستاوردهای علمی جدید باید در مبانی اصولی و ادله استنادی - در قوانین و فقه امامیه - به جستجو پرداخت و نباید فراموش کرد که پویایی فقه امامیه حتماً در بررسی جایگاه و حجیت این متدها فضایی در خود برای ما دارد. بررسی ملکول دی‌ان‌ای که انگشت‌نگاری ژنتیک نیز نامیده می‌شود، ابتدا به وسیله دکتر الک جفرسون (Alef Jefferson) در سال ۱۹۸۵ در راستای تشخیص هویت مورد استفاده قرار گرفت و بعدها به صورت وسیع در سازوکارهای تحقیقی قانونی از آن کمک گرفته شد.

در واقع تعیین توالی اجزا تشخیص‌دهنده مناطق تکرارشونده مبنای آزمایش دی‌ان‌ای است. به دلیل میزان خطای بسیار

(۲۶-۲۷)، لکن در خصوص ماهیت و چگونگی دلیل مذکور و در نهایت تأثیر آن در اثبات نسب اعتراضی نداشته‌اند. گروهی نیز با وجود اینکه به آزمایش دی‌ان‌ای اشاره‌ای نداشته‌اند، آزمایش خون را در قامت یک اماره که می‌تواند مؤثر در علم قاضی باشد، مورد پذیرش قرار داده‌اند. این در حالی است که اثبات نسب از طریق آزمایش خون، دقت بسیار کمتری از آزمایش ژنتیکی دارد (۲۸).

۴-۲. رویکرد حقوقی به آزمایش دی‌ان‌ای: این قبیل آزمایشات، ذیل عنوان کارشناسی مورد بحث قرار می‌گیرند. در این حالت، مطابق با مواد ۲۴۱ و ۲۴۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، قاضی باید مشخص نماید که این نظریه کارشناس، از چه اعتبار و ارزشی برخوردار است. در واقع این امر، روشی برای قاضی قاضی، جهت به دست آوردن علم به شمار می‌رود (۲۲). مطابق با پریشی که از اداره حقوقی قوه قضاییه در تاریخ ۱۳۷۸/۲۴/۰۱ به شماره ۲/۱۱۸ به عمل آمده است و در آن بیان گردیده است که: «در صورت عدم وجود بینة یا اقرار و انجام آزمایش دی‌ان‌ای آیا نظر پزشکی قانونی لحوق یا عدم لحوق نوزاد به متهم (به ارتکاب زنا) حجیت دارد؟»، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ بیان داشته است که تسمک به این آزمایشات، در موضوع نسب، تابع شروطی است. به بیان دیگر این آزمایشات در صورتی می‌توانند مبنا قرار گیرند که برای قاضی ایجاد علم نمایند. با تدقیق در بیانات فقیهان، به این نتیجه دست می‌یابیم که حصول به یقین کامل، مستند اصولی ایشان برای حجیت دادن به این روش است (۲).

در فرض قطعیت کامل این آزمایش برای اثبات حجیت آن به لحاظ شرعی می‌توان به حجیت ذاتی قطع، استناد کرد. در مباحث اصولی، هنگامی که از مبحث قطع صحبت می‌شود، اصولیون حجیت قطع را ذاتی به حساب می‌آورند و به واسطه عقل لزوم تابعیت به آن را نتیجه گرفته‌اند. قطع: «حالتی نفسانی است که در آن حالت چیزی برای شخص معلوم می‌گردد و در مقابل ظن و شک استفاده می‌شود و احتمال اینکه در این مورد به خصوص خطا کرده باشد، نزد او منتفی

پایین در این آزمایش و تأثیر بسیار کم خطا در قابل اطمینان بودن نتیجه آن می‌توان گفت آزمایش دی‌ان‌ای به عنوان یک دلیل قاطع در مقام اثبات کاربرد دارد (۲۱).

۴-۱. رویکرد فقهی به آزمایش دی‌ان‌ای: فقهای متقدم اعتراضی به روش‌های جدید نداشته‌اند. بر مبنای استفتائاتی که مرکز تحقیقات فقهی در موارد مشابه از مراجع تقلید انجام شده است، می‌توان بیان نمود که دیدگاه فقیهان به دو گروه کلی قابل تفکیک است: اولین گروه که تعداد بیشتری از فقها را دربر می‌گیرد، بر این باورند که آزمایش‌های دقیق علمی در اثبات نسب و به عنوان مستند و دلیل، دارای حجیت شرعی نیستند، مگر در مواردی که بتوانند برای قاضی علم ایجاد کنند؛ دومین گروه بر این باورند که آزمایشات مزبور از هیچ ارزش و اعتباری برخوردار نیستند. بنا بر آنچه گفته شد، مطابق نظر فقها، برای اثبات نسب طفل نمی‌توان به آزمایشات مذکور متمسک شد. به غیر از مواردی که موجب علم قاضی یا ظن قابل توجه برای وی در خصوص اثبات نسب طفل گردد. در این موارد، قاضی این اختیار را دارد که علم خود را مبنا قرار داده و بر اساس آن اقدام به صدور رأی نماید (۲۲). به عبارت دیگر فقها در صورتی این مسأله را می‌پذیرند که برای قاضی علم قطعی و یا علم موجب اطمینان به وجود آورد.

علاوه بر فقهای متقدم، نظر برخی از فقهای معاصر بر این باورند که: «اگر از نظر طب قطعاً یا به گونه‌ای که موجب اطمینان شود دلالت دی‌ان‌ای بر ابوت و بنوت ثابت شود، آن را چه در اثبات و چه در نفی نسب می‌پذیریم» (۲۳). محققین اهل سنت بعضاً آزمایش‌های ژنتیک یا دی‌ان‌ای را به عنوان ادله شرعی در مقام اثبات به طور مطلق و برخی به شکل محدود پذیرفته‌اند (۲۴) و حتی مجمع فقهی در مکه، آزمایشات مذکور را در راستای موضوع نسب در برخی موضوعات به صورت صریح قابل استفاده اعلام نموده است (۲۵). اغلب اندیشمندان حقوقی هم پیرو موضوع دیگر ادله اثبات، با در نظر داشتن عدم انحصار ادله اثبات و با تأکید بر مواد ۱۳۲۳ و ۱۳۲۲ قانون مدنی و عنایت به خلاف‌پذیر بودن اماره، سایر ادله مثل آزمایش‌های پزشکی را در نظر داشته‌اند

است» (۲۶). در واقع معنای قطع، «اطمینان به چیزی از راه عقلی است که احتمال خلاف آن صفر باشد» (۲۹).

این مسأله درخور توجه است که قطعیتی که از آزمایش دی‌ان‌ای به دست می‌آید، صرفاً براساس اعتقاد قاضی مورد استناد قرار نمی‌گیرد، بلکه مطابقت آن با واقع برای همه قابل اثبات می‌باشد. برخی امور وجود دارند که طریقتشان از طرف شارع نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته شده است و به دیگر سخن، مقنن این امور را روشی برای نیل به واقع و به منزله متابعت علم قرار داده است. از جمله ظنون معتبر ولی قطع، طریقتش به سوی واقع ذاتی است (۲۹). بنابراین جعل و اثبات حجیت و طریقت برای قطع از محالات است و بالطبع سلب حجیت از قطع و رد و منع شارع از موافقت قطع نیز محال است، چون در این صورت مستلزم تناقض خواهد بود، البته باید در نظر داشت که بعضی فقیهان حجیت شرعی به دلیل وجود کاشفیت علم را مورد تأیید قرار نداده‌اند و به بیان این مطلب پرداخته‌اند که در اصل، کاشفیت در صورتی که در علم مسلم باشد، امری تکوینی می‌باشد، در حالی که حجیت، یک موضوع اعتباری است و با جعل شارع ایجاد می‌گردد، به همین دلیل این دو با هم ناسازگارند (۳۰)، البته نباید از نظر دور داشت، وجوب تبعیت از قطعیت وجوب عقلی بوده و حجیت آن نیز ناشی از عقل می‌باشد. یکی از منابع تشریح حکم می‌باشد و مطابق نظر بعضی فقیهان، احکام شریعت و متون آن با احکام عقلی به لحاظ ثبوتی مخالف نیست و در صورتی که اثباتاً فرض شود، تأویل نصوص برای پرهیز از بطلان واجب می‌باشد (۲۳).

در فرض استناد به علم عرفی باید توجه داشت که میزان قطعیت آزمایش دی‌ان‌ای برای استناد به آن همواره قطعی و کامل نیست و بر اساس نظر متخصصان این حوزه، برخی میزان قطعی بودن این آزمایش را نزدیک به یقین دانسته‌اند و میزان خطای آن در علم ژنتیک را تا اندازه‌ای ناچیز قلمداد می‌کنند که در به کارگیری آن برای اثبات تأثیر نمی‌گذارد. به عبارتی دیگر حجیت این آزمایش از لحاظ قطعیت کامل داشتن یا قریب به یقین بودن، متفاوت نیست، زیرا که حجیت مورد نخست، حجیت عقلی می‌باشد، در حالی که مورد دوم،

حجیت عقلایی دارد که به وسیله شرع مورد منع و رد واقع نگردیده است؛ برای تأیید حجیت آن در فقه می‌توان به علم عرفی استناد نمود. علم عرفی، «علمی است که اغلب مردم و متعارف اعضای جامعه وقتی به آن دست یافتند به احتمال خلاف آن توجه نمی‌کنند، هرچند احتمال خلاف آن عقلاً امکان‌پذیر باشد و اگرچه اقلیتی از مردم به آن احتمال خلاف عمل می‌کنند، چراکه علم عادی موجب سکون و اطمینان می‌شود» (۲۹). در واقع علم عرفی برای کشف از واقع مورد استفاده قرار می‌گیرد (۳۱). باید در نظر داشت که علمی که در حقوق و شرع برای حل مشکلات و مسائل مورد استفاده قرار می‌گیرد، علم عادی نام دارد (۳۰). بدیهی است که علم عادی موجب اطمینان نفس است و بر همین اساس ایجاد حجیت می‌کند و کشف واقع به دلیل قطعیت داشتن، در درجه اولی قرار دارد و حکم موافق با آن مد نظر شارع می‌باشد. شیخ طوسی در تعریف علم چنین بیان می‌کند «حد العلم ما اقتضی سکون النفس»، «علم چیزی است که موجب آرامش نفس می‌شود»، با توجه به تعریف اینطور برداشت می‌شود که منظور علم عرفی است نه علم به معنای دقیق فلسفی، زیرا فقیه، با علم عرفی به معنای اطمینان در تعامل است، نه علم به معنای اثبات یک طرف با منع نقیض آن؛ در این علم احتمال خطا داده نمی‌شود (۳۰). بر اساس قاعده کلما حکم به الشرع، حکم به العقل و بالعکس، باید عنایت داشت که فقها دلیل حجیت علم عرفی را بنا عقاء می‌دانند (۳۲) و آن حجیت عقلایی است که توسط شارع رد نشده باشد (۲۳). برخی از فقها بیان می‌دارند که حجیت علم باید شامل اطمینان عرفی نیز باشد (۳۳). در واقع می‌توان گفت در مبحث موضوعیت داشتن ادله اثبات دعوا و با توجه به حجیت علم عرفی و با در نظر داشتن این امر که مبنای سنجش حجیت قطعیت و علمی است که از مدرکات عقل حاصل می‌گردد و ملاک حجیت داشتن علم عادی، سیره عقلا می‌باشد و اموری که از عقل به دست می‌آیند قابل تخصیص نمی‌باشند و آن به این دلیل است که تا مادامی که موضوع حکم عقل با جمله خصوصیات آن وجود داشته باشد، حکم نیز ثابت می‌ماند و در صورتی موضوع از باقی نماند، حکم نیز زائل می‌گردد. در مقابل سیره‌های

عقلایی، اگرچه اطمینان آورند، اما دچار تخصیص می‌شوند (۳۴)، ضمناً بنا به گفته برخی فقها نهادهای عقلایی مانند تأسیسات شرعی تخصیص می‌پذیرند (۳۵).

با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده، میزان قطعیت آزمایش دی‌ان‌ای با عنایت به روشن‌های نوین، برخی قطعیت نتایج را قریب به یقین و عده‌ای نیز در فرضی که در راستای قیاس تکرار توالی بازهای اشخاص در دی‌ان‌ای ایشان، آزمایش تماماً اجرا گردد و از مارکرهای ژنتیکی بیشتر استفاده گردد، قطعیت حاصل را «یقینی» دانسته‌اند؛ باید به خاطر داشت که اماره در برابر علم به واقع، تاب مقاومت ندارد و با کشف واقع فضایی برای تشریح اماره باقی نمی‌ماند. قاضی با اتکا به نظر اهل خبره و حجیت نظر متخصصان این حوزه و از بر اساس حجیت علم عرفی و بنا عقلاً به نتایج این آزمایش‌های در پرونده‌ها استناد می‌کند، البته مقصود آن است که گذشته از ادله کارشناسی که در آیین دادرسی مدنی آمده، با در نظر گرفتن نتایج علم‌آور این آزمایشات برای قاضی و استناد به آن‌ها در محاکم دادگاه‌ها و وضع قوانین مرتبط در قوانین کشورهای دیگر و با توجه به پذیرش عموم مردم، مقنن قادر است با ارجاع به این آزمایش‌ها، در راستای اثبات امور و پیش‌بینی آن در مقررات مربوطه، بسیاری از چالش‌های سیستم حقوقی را حل کند (۲).

در صورت تعارض میان دلایلی مانند: اقرار، بینه و شهادت با آزمایش‌های ژنتیکی در امور مدنی اگر احتمال مخالفت با واقع در این آزمایش‌ها پایین‌تر از احتمال خلاف واقع بودن سایر ادله به نظر برسد، ادله دیگر تاب مقاومت در برابر نتایج این آزمایش‌ها را نخواهند داشت و در امور کیفری چون این آزمایش‌ها را تحت عنوان علم قاضی قرار داده‌اند، قاضی می‌تواند با ذکر مستند کارشناسی و رد ادله دیگر به این آزمایش‌ها استناد کند (۲).

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت، این است که در سیستم سنتی حقوق ایران، اقتناع وجدانی معیار و ملاک است و علم قاضی نیز با توجه به احوال به وجود می‌آید. برای مثال در جرم سرقت چنانچه به وسیله آزمایش و تشخیص کارشناس مربوطه ثابت گردد اثر انگشت یا دی‌ان‌ای فردی در

محل مورد سرقت وجود دارد، بدون توجه به سایر قرائن و اوضاع و احوال، انتساب سرقت به فرد مذکور ثابت نمی‌گردد. توضیح اینکه اگر اثر انگشت و یا دی‌ان‌ای یافت‌شده متعلق به فردی غریبه باشد که پیش‌تر با علم مالک به آن منزل وارد نشده، این امر می‌تواند اماره‌ای قوی بر سارق بودن فرد باشد، لکن در صورتی که اثر انگشت و یا دی‌ان‌ای یافت‌شده متعلق به یکی از اقوام و یا آشنایانی باشد که به آن محل رفت و آمد دارد، یافت‌شدن مدارک فوق را نمی‌توان دال بر سارق بودن این فرد دانست. بنابراین این آزمایش‌ها نمی‌توانند به تنهایی مبنای علم قاضی قرار گیرند و باید به سایر اوضاع و احوال را نیز توجه داشت.

۵. نظام‌های ادله اثبات دعوی کیفری: روش‌های اثبات دعوی کیفری در حقوق کیفری در تقسیم‌بندی به صورت ذیل است.

۵-۱. نظام ادله قانونی: در این نظام تعداد و میزان ادله لازم برای اثبات هر کدام از جرائم توسط قانونگذار در مقررات پیش‌بینی گردیده است. در هر دعوا این ادله مقابل قاضی قراردادده می‌شود و قاضی با استناد بدین دلایل قانونی در صورت اجتماع سایر شرایط، باید حکم به محکومیت متهم صادر نماید. ذکر چند امر شاخص در نظام مذکور، ضروری به نظر می‌رسد: ۱- در این نظام، قاضی برای ثابت‌نمودن جرم، صرفاً می‌تواند به ادله و قرینه‌هایی متمسک گردد که مقنن، آن‌ها را در مقررات ذکر نموده است؛ ۲- قاضی نمی‌تواند ادله را با اعتقادات و ارزش‌های خود سنجیده و آن‌ها را از این طریق ارزش‌گذاری کند؛ ۳- در صورتی که متهم اقرار نمایند، این امر می‌تواند بدون نیاز به هیچ ادله دیگری، مبنای اثبات جرم علیه وی باشد (۳۶).

۵-۲. نظام معنوی: در نظام معنوی دلایل در امور کیفری بر اساس تصریح قانونی تعیین و ارزش‌گذاری نمی‌شوند. در این نظام قضات، اختیارات گسترده‌تری نسبت به نظام ادله قانونی داشته و ادله را مستقلاً و با معیارهای وجدانی خود ارزیابی می‌نمایند و در نهایت با توجه به نتیجه حاصل اقدام به صدور رأی می‌نمایند (۳۷).

۵-۴. مراتب توسل به اعاده دادرسی و آزمایش دی‌ان‌ای:

در سیستم کیفری برای متوسل شدن به اعاده دادرسی مراتب زیر متصور است:

۱- به موجب ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، فقط سه گروه از افراد، حق درخواست اعاده دادرسی دارند که شامل محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او، دادستان کل کشور و دادستان مجری حکم می‌شود؛ ۲- علاوه بر اصحاب دعوا، به موجب ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اگر رییس قوه قضاییه، حکم قطعی صادره از مراجع قضایی را مخالف بین شرع تشخیص دهد، می‌تواند به دیوان عالی کشور، دستور اعاده دادرسی بدهد. رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح و یا رییس کل دادگستری استان نیز اگر در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را مخالف بین شرع تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رییس قوه قضاییه، درخواست دستور اعاده دادرسی نمایند. اشخاصی که تقاضای اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری را در خصوص آرای قطعی دارند، باید از طریق رؤسای کل دادگستری استان‌هایی که رأی در محاکم آن استان قطعی شده است، پیگیری نمایند و اگر رأی از طریق محاکم نظامی قطعی شده باشد، باید از طریق رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح، این پیگیری صورت پذیرد.

لازم به ذکر است که تحصیل دلیل از روش‌های علمی، موجب اطمینان قاضی می‌گردد و در صورت تعارض داشتن آن با دلایل نظری موجود در پرونده، موجب رد یا تردید جدی در مورد دلایل می‌گردد. باید در نظر داشت که قانونگذار در آیین دادرسی کیفری به طور مشخص روش آزمایش ملکولی دی‌ان‌ای را بیان ننموده است. با توجه به نبود قانون روشن در این زمینه و نتایج به دست آمده در آزمایشگاه‌های تشخیص هویت پلیس ایران و پزشکی قانونی، این نوع از آزمایشات تجربی به عنوان دلیل در معنای اخص حقوقی در محکمه قضایی کاربرد ندارد و قابل قبول نیست. باید در نظر داشت که

۵-۳. نظام ادله علمی: برای توضیح این نظام باید به دو ماده ۸۳ و ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کنیم. ماده ۸۳: «از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد، از قبیل پزشک داروساز، مهندس ارزیاب و دیگر صاحبان حرف چنانچه در جرائم مخل امنیت و یا خلاف نظم عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به الکفایه نباشد به حکم قاضی جلب خواهد شد» و ماده ۸۸: «برای معاینه اجساد و جراحات و آثار و علائم ضرب و صدمه‌های جسمی و آسیب‌های روانی و سایر معاینه‌ها و آزمایش‌های پزشکی قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می‌نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشکی قانونی نباشد، پزشک معتمد دیگری دعوت می‌شود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد، می‌تواند از پزشک متخصص دعوت به عمل آورد»، بر این مبنا نیز به دلایل علم قاضی اشاره شده است (۳).

در ارتباط با اختیارات و سازوکار توسل به پزشکی قانونی در چارچوب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز می‌توان به مواد ۱۲۸ و ۱۳۶ اشاره نمود. مطابق با مفاد ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد. همچنین مطابق با مفاد تبصره همین ماده، بازپرس می‌تواند در صورت لزوم از پزشک معالج نیز دعوت به عمل آورد.

علاوه بر این، مطابق با مفاد ۱۳۶ قانون مزبور نیز بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.

تبریزی بر این باورند که استفاده از علم دی‌ان‌ای را برای اثبات جرم جایز نیست و اظهار داشته‌اند استفاده از این روش و علوم حجت شرعی ندارد. مقام معظم رهبری نظری دیگری و خارج از این تقسیم‌بندی‌ها داشته و ایشان ملاک را در این‌گونه موارد قانون و مقررات دانسته‌اند (۳).

از بررسی‌های به عمل آمده به نظر می‌رسد آزمایش‌های تجزیه خون و دی‌ان‌ای به عنوان اماره قضایی اعتبار دارند و می‌توانند در نظر قاضی دلیل بر امری باشند. از آنجا که قانونگذار از آزمایش‌های مذکور در مقررات مدون ذکری به میان نیاورده است، نمی‌توان این آزمایش‌ها را اماره قانونی محسوب کرد و صرفاً اگر در نظر قاضی دلیل بر امری باشد، باید اعتبار اماره قضایی برای آن قائل شد. از طرفی نیز، اثبات خلاف اماره قانونی گاهی اوقات از طریق اماره قضایی صورت می‌گیرد (۳۸).

برخلاف امور مدنی که ادله اساساً موضوعیت دارد و سیستم اتهامی حاکم است و بار ابراز ادله و اثبات حق عمدتاً بر دوش اصحاب دعوی و وکلای آن‌ها است، اما باید دانست که ادله در امور کیفری طریقت دارد. سیستم حاکم برای دادرسی بیشتر تفتیشی است و قاضی برای رسیدن به حجت شرعی با مداخله در ارزیابی ادله و حصول اقتناع وجدانی تلاش می‌کند. منطق قضایی حکم می‌کند که حل مجهولات در زندگی اجتماعی مانند کشف مجهولات فلسفی نباشد؛ در حقیقت علم در عرصه زندگی اجتماعی، علم به معنای فلسفی و منطقی نیست که همراه علم به فرض نقیض آن فرض شده باشد و احتمال خلافی در آن نباشد. بر همین اساس حقوقدانان هم ظن نزدیک به علم را در نظام ادله اثبات دعوا، مانند یقین در نظر می‌گیرند. علمی که در عرصه قضاوت کیفری درباره آن صحبت می‌کنیم، علم قاضی است. یکی از دلایلی که در حصول این علم نقش دارد، امارات است که یکی از این امارات، می‌تواند داده‌های پزشکی باشند که ظنون خاص به حساب می‌آیند. با این وجود بر حسب رویه حاکم دیده شده است که قضات التزامی برای استناد به این یافته‌های علمی ندارند. این در حالی است که تجویز این رویه توسط قانون صورت پذیرفته

علم قاضی در اثبات کلی جرائم نقش مؤثری دارد و آزمایش دی‌ان‌ای یکی از صور این علم می‌تواند قرار بگیرد. آموزش قضات به روش‌های جدید و بیولوژیکی و دادن بهای بیشتر به این روش‌های جدید در مقابل روش‌های سنتی، می‌تواند احتمال خطا در این فضا را بسیار کم کند. در آیین دادرسی کیفری روش تجزیه و تحلیل و بررسی ملکولی دی‌ان‌ای در زمینه شناسایی مجرمین از طریق آثار به جامانده در صحنه جرم بر سایر دلایل سنتی، مانند اقرار یا شهادت شهود برتری دارد. اگر دلایل از طریق متعارف و یا علمی کسب شود و با شهادت شهود مغایر باشد، قاضی باید از علم خود استفاده کند. فی‌الحال این قاضی است که ارزش ادله را می‌سنجد و تصمیم می‌گیرد که آیا بار حقوقی دارد یا نه. قاضی کیفری در جهت تحصیل علم و کشف حقیقت به لحاظ فنون امر آزمایشی مولکولی دی‌ان‌ای می‌تواند مانند سایر امور فنی حسب مواد ۸۳ به بعد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ موضوع را به کارشناسان امر ارجاع دهد (۳۸).

اما موضع قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ارتباط با پزشکی قانونی شفاف‌تر و صریح‌تر می‌باشد. در چارچوب ماده ۱۲۸ قانون مزبور، چنانچه متخصص امری بتواند در فضای دادرسی از نظر فنی و علمی، آگاهی برای مقام دادرس ایجاد کند، از وی دعوت خواهد شد برای ارائه گزارش و نظریه مناسب که در فرآیند دادرسی و حصول علم قاضی مؤثر می‌باشد. همچنین مطابق با مفاد ماده ۱۳۶ چنانچه معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم باشد دادگاه باید نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند.

آیت‌ا... موسوی اردبیلی که خود زمانی ریاست قوه قضاییه را به عهده داشت، معتقد بودند که استفاده از آزمایش دی‌ان‌ای را در صورت عدم اشتباه و به کمک سایر قرائن و شواهد، باید وسیله صدور حکم دانسته شود، اما احکام بعضی از حدود به خصوص حدودی مانند حد زنا را جدا دانسته‌اند. آیت‌ا... صافی گلپایگانی استفاده از این آزمایش را در صورتی که موجب حصول علم برای قاضی جامع‌الشرایط شود، جایز دانسته‌اند. آیات عظامی همچون مکارم شیرازی، نوری همدانی و مدنی

است، در صورتی که بر اساس عرف عقلانی پیروی از نظرات کارشناس در امور تخصصی الزامی است و نباید فراموش کرد که نظر کارشناس تنها با نظر خبره بالاتر و با کثرت بیشتر رد می‌شود (۳۹).

نباید فراموش کرد که مراتب علم قاضی در مورد جرائم حق الهی و حق الناسی متفاوت است و این عدم الزام ناشی از سلیقه شخصی این اشخاص نیست، زیرا در جرائم حق الناسی در مسیر اعاده حق باید قدم برداشت، اما در جرائم حق الهی برای حفظ آبروی افراد نزد شارع، نمی‌توان از داده‌های آزمایشگاهی برای اثبات جرم علیه حیثیت افراد استفاده کرد، بلکه امارات قانونی معارض و تأییدشده به اصول علمی، مقدم بر امارات پزشکی می‌شود، در نتیجه آزمایشات پزشکی در حقوق الله که حیثیت و آبروی انسان‌ها در تعارض است، نباید بر امارات شرعی - حتی با در نظر گرفتن کاشفیت بالای امارات پزشکی - ترجیح داده شود و داده‌های آزمایشگاهی در امور کیفری حق الناسی، به دلیل اینکه با تکنولوژی جدید پزشکی نزدیک به صفر است، حتی بر بینه و اقرار معارض هم مقدم است، به این دلیل که این‌ها اماره به حساب می‌آیند و واضح است که ترجیح مرجوح که اینجا ظن است بر راجح، یعنی علم قبیح است (۳۹).

درست است که آزمایش ژنتیک به عنوان یک اماره قضایی در صورت تعارض با اماره قانونی بر آن مقدم است، اما باید در نظر داشت که آزمایش ژنتیک نمی‌تواند به خودی خود و مستقلاً برای اثبات مورد استناد قرار بگیرد (۴۰). نتایج این آزمایش از حیث اثباتی همواره به یقین کامل نمی‌رسد، اما در صورت عدم تشخیص تجانس نتایج آن به صورت یقینی قابل اعتماد است، زیرا همیشه یک احتمال بسیار جزئی وجود دارد، هرچند که این احتمال خلل به قابل اطمینان بودن آزمایش وارد است، اما باید در نظر داشت که اساساً از لحاظ ژنتیکی چنین میزان خطایی، خطا به حساب نمی‌آید. پس می‌توان گفت این آزمایش می‌تواند در مقام نفی به طور یقینی مورد استناد قرارگیرد و لکن در باب اثبات نمی‌تواند عنوان یک دلیل قاطع را بر خود بار کند (۴۱).

در نهایت باید توجه داشت که در اثبات جرم و مجازات باید قائل به تفکیک شویم و حسب نوع مجازات نیز بحث متفاوت است. در قضاوتی که اسلام معرفی می‌کند، هدف و اصل، کشف واقع است، چه قاضی مجتهد که امکان رد دعوی که آن را خلاف موازین شرع بشناسد را دارد و چه قاضی مأدون از امام، هر دو برای دستیابی به عدالت، نمی‌توانند به چیزی جز کشف واقع رضایت دهند. زمانی فصل خصومت اتفاق می‌افتد و اختلافات ختم می‌شود که کشف واقع رخ دهد. باید در نظر داشت که ذات آزمایش دی‌ان‌ای علمی تجربی است و در علوم تجربی گزاره‌ای به نام احتمال خطا وجود دارد. نکته بسیار مهمی که نباید فراموش کرد، این است که این آزمایش مستقیماً توسط بازوی اجرایی قوه قضاییه اتفاق نمی‌افتد و این علم تجربی با واسطه و در یک سازمان مستقل به نام پزشکی قانونی مراحل انجام آن سپری می‌گردد و به دست می‌آید و بیم آن می‌رود که صحت آن در فرآیند انجام، به دلیل غرض‌ورزی و عدم رعایت امانت دچار خدشه گردد و جواب نهایی از اصالت برخوردار نباشد و با اوضاع و احوال موجود در پرونده همخوانی نداشته باشد؛ این احتمالات از قطعیت علم قاضی می‌کاهد و اقناع وجدانی او را دچار تزلزل می‌گرداند، اما نباید فراموش کرد که در دوره پست‌مدرنیسم نباید قاضی با استناد به این ابهام‌ها و به این بهانه که مکانیزم علمی از قطعیت در حصول علم برخوردار نیست، راهی را که برای رسیدن به حقیقت ممکن است را رد کند. درست است که در دادگاه‌های ایران دی‌ان‌ای به تنهایی و به طور صریح مستند حکم قرار نمی‌گیرد و در صورتی که قاضی ادله را معتبر نداند و یا نظر کارشناس در نظر وی از اعتبار کافی برخوردار نباشد، می‌تواند بررسی مجدد امر را به کارشناس دیگری ارجاع دهد، اما قاضی با در نظر گرفتن اصول جرم‌شناسی، می‌تواند این آزمایش‌ها را به عنوان یک اماره موجد ظن غالب، هنگامی که متهم در راستای اصل برائت به آن استناد می‌کند و پذیرفته و در این صورت نیازی به ارائه دلیل دیگری از سوی متهم وجود ندارد. بنابراین قاضی می‌تواند این آزمایش‌ها را برای رد اتهام‌های که برای او ایجاد ظن کرده است، مورد استناد قرار داده و اعاده دادرسی مطرح‌شده توسط متهم را بپذیرد، لکن

فرآیند رسیدگی در دسترس طرفین قرار ندارد، بلکه پس از دادرسی نیز ممکن است، ادله و قرائنی جدید در دسترس طرفین قرار گیرد. به همین جهت، سازوکارهای رسیدگی فوق‌العاده مانند اعاده دادرسی در چارچوب نظام حقوق کیفری تعریف شده است. مشاهده شد که یکی از دلایلی که در سال‌های اخیر از طریق پیشرفت‌های علمی قابلیت استناد در محاکم را پیدا کرده است، آزمایش دی‌ان‌ای است. این ابزار نیز مانند سایر ادله اثباتی ممکن است در مقام اثبات جرم و یا در مقام دفاع در برابر اتهام مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی نیز، اعاده دادرسی گاهی از سوی محکوم‌علیه و گاهی نیز از سوی شاکی مورد تقاضا قرار می‌گیرد.

در حال حاضر این امکان وجود دارد که به استناد آزمایش دی‌ان‌ای تقاضای اعاده دادرسی کیفری تقدیم مرجع قضایی گردد. از این منظر باید چند نکته را مد نظر قرار داد: اول اینکه آزمایش دی‌ان‌ای یکی از ابزارهای علوم تجربی (شاخه پزشکی و ژنتیک) می‌باشد، در نتیجه از منظر منطق علوم انسانی، نتیجه آن بر پایه تجربه و فاقد قطعیت در معنای اخص کلمه می‌باشد. به تعبیری، نتایج حاصل از این آزمایش به نحوی نیست که در سلسله مراتب ادله اثبات دعوی قاضی را به این یقین برساند که هیچ‌گونه شبهه‌ای در این آزمایش و نتایج حاصل از آن وجود ندارد. در این آزمایش نیز مانند سایر تجربیات علوم تجربی، احتمال خطاها و اشتباه‌های محاسباتی وجود دارد؛ نکته دوم اینکه علم حاصل از آزمایش دی‌ان‌ای به عکس سایر ادله اثبات دعوی کیفری، با واسطه (کارشناس) و نه به صورت مستقیم برای قاضی حاصل می‌شود. یکی از چالش‌های اساسی در ارتباط با عدم امکان پذیرش آزمایش‌های مزبور در قامت یکی از دلایل قطعی اثبات جرم همین موضوع می‌باشد، زیرا در صورتی می‌توان قائل به علم قطعی برای قاضی شد که قاضی بدون واسطه و به صورت مستقیم، علم را به دست آورد. در بحث تفسیر نیز این موضوع باید در چارچوب اصل تفسیر مضیق به نفع متهم صورت پذیرد. به تعبیری، آزمایش دی‌ان‌ای نباید به صورت مستقل در قامت ادله اثبات جرم مورد پذیرش قرار گیرد؛ نکته سوم اینکه در

در حالت مقابل چنانچه دادستان در راستای اثبات جرم، نتایج این آزمایش‌ها را به عنوان اماره‌ای که ظن مغلوب ایجاد می‌کند، مستند درخواست اعاده دادرسی قرار دهد، در صورتی کارآمد هستند که موجب ایجاد فضایی شود که با استناد به این نتایج، امکان پیدا کردن ادله جدیدی در اثبات جرم به وجود آید. به عنوان مثال چنانچه با استناد به این نتایج متهم اقرار کند یا موجب پیداشدن شاهد گردند و با استفاده از این ادله اصلی که خود به تنهایی واجد حجت شرعی باشند و با در نظر گرفتن این امر که حرکت در فضای اثبات جرم، حرکتی خلاف اصل برائت است، به نظر می‌رسد که موجب اقناع قاضی شده و موجبات اعاده دادرسی مقام‌مدار جاری گردد.

نتیجه‌گیری

به استناد اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام حقوقی ایران بر پایه فقه امامیه طراحی و اجرا می‌گردد. بر همین مبنا، در نظام حقوق کیفری، هدف اصلی نیل به عدالت کیفری (و به طور خاص قرائت اسلامی از مفهوم عدالت) می‌باشد. از سوی دیگر، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها یکی دیگر از پایه‌های هر نظام حقوق کیفری محسوب می‌گردد که در فقه اسلامی نیز بر پایه قاعده قبح عقاب بلابیان مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته است. بر همین اساس، در پرتو ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی نیز در راستای اثبات جرائم، اصل حصری‌بودن ادله اثبات جرم مورد اشاره قرار گرفته است؛ از منظر قانونگذار، اصولاً جرائم به وسیله اقرار، شهادت شهود، قسامه، سوگند و علم قاضی قابل اثبات می‌باشند، البته نباید فراموش کرد که در هر دعوی کیفری دو طرف (یعنی شاکی و مشتکی‌عنه) وجود دارد. نظام حصر ادله اثبات دعوی در چارچوب فرآیند اثبات جرم مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در مقابل مشتکی‌عنه برای رهایی از اتهام می‌تواند به هر دلیلی که در دسترس او قرار داشته باشد و در محکمه قابل استناد باشد، متوسل شود. مرجع قضایی در هر نظام حقوق کیفری مصون از خطا و اشتباه نمی‌باشد. از طرفی نیز ادله اثباتی مطروحه در هر پرونده، در

محسوب شود، اما آزمایش مزبور برای اعاده دادرسی مقام‌مدار (از سوی شاکی) مبنای ظنی یا غیر قاطع محسوب می‌شود. در نتیجه آزمایش دی‌ان‌ای در فرآیند اعاده دادرسی کیفری، در جهت اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه، در قامت یک دلیل قطعی قابل پذیرش می‌باشد، اما آزمایش مزبور در فرآیند اعاده دادرسی کیفری، در جهت اثبات گناهکار بودن محکوم‌علیه، یک اماره محسوب می‌گردد که برای حصول یقین، نیاز به بررسی و ارزیابی توسط مقام قضایی را دارد.

دلایل علمی خواه و ناخواه با گذشت زمان و پیشرفت علم، جای دلایل سنتی را در فرآیند اثبات جرم خواهند گرفت. تأکید بر مسأله اقتناع وجدانی قاضی بدون در نظر گرفتن دلایل علمی و عدم ایجاد الزام برای دادرسان جهت توجه به دلایل مزبور، باعث ایجاد رویه‌های سلیقه‌ای و ظنی خواهد شد. اینکه معیار اصلی اقتناع وجدانی قاضی باشد، اما ابزار و طرق مختلف و جدید برای آن مد نظر قرار نگیرد و جایگاه دقیقی از حیث نظام قانونی برای آن پیش‌بینی نشود، دقیقاً با عناصر حکومت قانون و استقرار عدالت در تعارض است. نکته مهم‌تر که در اینجا باید به آن عنایت داشت، این است که گاهی ادله علمی جدید از سوی طرفین مورد تقاضا قرار می‌گیرد و گاهی قاضی رأساً در راستای کشف حقیقت به دلایل مزبور متوسل می‌گردد؛ در اینجا لازم است قانونگذار هر دو حالت فوق را مد نظر قرار داده و مقرراتی برای آن صراحتاً پیش‌بینی کند. از یکسو لازم است در موارد ارائه دلایل علمی از سوی طرفین، قاضی مکلف بر ارزیابی و پاسخ به آن دلایل باشد و از سوی دیگر، در مواردی که قاضی امکان توسل به دلایل علمی را دارد، رأساً اقدام به ارسال پرونده نزد کارشناس نماید. به بیان ساده‌تر، قاضی نباید این حق را داشته باشد که صرفاً به علت اینکه به اقتناع وجدانی و احساسی نرسیده است، از پذیرش ادله علمی امتناع نماید. حصول قطعیت برای قاضی از یکسو به حالات فکری، ذهنی و اعتقادی شخصی و از سوی دیگر به آگاهی‌های علمی و ابزارهای علمی ارائه‌شده به وی بستگی دارد. به بیان ساده‌تر، فرآیند قضاوت کیفری و حصول به عدالت کیفری، نه یک امر تک‌بعدی (یعنی صرفاً متکی به ادله سنتی)، بلکه یک فرآیند چندبعدی می‌باشد.

تبصره ماده ۲۱۱ ق.م.ا نظریه کارشناسی یکی از مواردی است که می‌تواند بر مبنای آن علم قاضی حاصل شود، زیرا نظریه کارشناسی نوعاً علم آور محسوب می‌گردد، در نتیجه نظریه مزبور می‌تواند به صورت مستقل به عنوان مستند صدور رأی قرار گیرد. نتیجه آزمایش دی‌ان‌ای نیز می‌تواند در قامت نظریه کارشناسی در چارچوب نظام حقوق کیفری مورد شناسایی قرار گیرد؛ نکته چهارم اینکه باتوجه به ماهیت خاص آزمایش دی‌ان‌ای و پذیرش آن در قامت نظریه کارشناسی در ارتباط با آثار آن در فرآیند اعاده دادرسی کیفری، باید میان دو فرض اصلی قائل به تفکیک شد: فرض اول حالتی است که شاکی در قالب اعاده دادرسی مقام‌مدار و در قالب ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک تقاضای اعاده دادرسی نماید؛ فرض دوم حالتی است که شخص محکوم در قالب ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک (اعاده دادرسی جهت‌مدار) و نیز ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک (اعاده دادرسی مقام‌مدار) متوسل به اعاده دادرسی شود. در فرض اول، استناد شاکی به خلاف بین شرع بودن حکم صادره می‌باشد و به استناد همین امر، برخلاف اصل برائت تقاضای صدور حکم مبنی بر محکومیت محکوم‌علیه را دارد. در اینجا توسل به آزمایش دی‌ان‌ای در قامت فرآیند اثبات جرم می‌باشد، در نتیجه به علت حصری بودن نظام ادله کیفری، مرجع قضایی (از منظر امکان‌سنجی) با رویکرد مضیق و با توسل به اوضاع و احوال و سایر امارات موجود در پرونده، اعاده دادرسی را مورد پذیرش قرار می‌دهد، اما در فرض دوم، شخص محکوم در مقام دفاع و در راستای اصل برائت متوسل به آزمایش دی‌ان‌ای می‌گردد. در این حالت از آنجا که به صورت پیش‌فرض اصل برائت در جهت ادعای محکوم مستقر می‌باشد. همچنین نظام ادله حصری برای دفاع در برابر اتهام مورد شناسایی قرار نگرفته است، بلکه مشتکی‌عنه می‌تواند در مقام دفاع به هر دلیلی که در دسترس می‌باشد، متوسل گردد، در نتیجه مرجع قضایی (از منظر امکان‌سنجی) تقاضای اعاده دادرسی را به مراتب سهل‌تر از فرض اول مورد پذیرش قرار می‌دهد. به بیان ساده‌تر، آزمایش دی‌ان‌ای می‌تواند مبنای قاطع برای اعاده دادرسی جهت‌مدار و نیز اعاده دادرسی مقام‌مدار (از سوی محکوم)

مشارکت نویسندگان

شروین کاکوان: نگارش مقاله و گردآوری منابع.
رجب گلدوست جویباری، امیرحسین نیازپور و شادی عظیم‌زاده:
نظارت و راهنمایی بر مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت
پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق،
تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای
تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Mohebalrahman M, Dehghannejad R, Mohebalrahman M. Role of DNA Test on Family Law and Judicial Procedure with Emphasis on Leaan Institution. *MLJ*. 2021; 15(56): e35. [Persian]
2. Yazdanipoor N, Derayati H, Daneshvar Sani R. Analysis of Legal Jurisprudence Authority DNA Test to Prove Parentage. *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*. 2016; 8(2): 85-98. [Persian]
3. Mesgari Hagh AH, Nasiri S. Legal and jurisprudential study of the role of DNA in proving crimes. *Resreach Scientific Journal of Jurisprudence and Bases of Islamic Law*. 2014; 7(4): 117-139. [Persian]
4. McPeake R. *Criminal Litigation and Sentencing*. Oxford: Oxford University Press; 2014. p.2-3.
5. Moien M. *Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1992. p.301. [Persian]
6. Shams A. *Civil procedure*. Tehran: Mizan Publications; 2002. p.495. [Persian]
7. Jafari Langaroodi M. *Legal Encyclopedia*. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2018. p.404. [Persian]
8. Farajiha M, Gholamlou J. Analysis of mechanisms to deal with claims of innocence in the criminal justice system: A comparative study of the legal systems of Iran, America and England. *Journal of Criminal Law Research Quarterly*. 2015; 3(11): 39-62. [Persian]
9. Hedayati MA. *Code of Criminal Procedure*. Tehran: Tehran University Press; 1962. p.167. [Persian]
10. Dadban H. *Criminal Procedure*. Tehran: Publications of Allameh Tabatabai University; 1999. p.211. [Persian]
11. Chalmers D. *Genetic Testing and the Criminal Law*. Hague: Taylor & Francis; 2017. p.17-18.
12. Kaur K. *DNA Testing as an Aid in Administration of Criminal Justice: A Story of its Legal Implication*. Washington: Blue Rose; 2023. p.31-32.
13. Goulka J. *Toward a Comparison of DNA Profiling and Databases in the United States and England*. London: RAND; 2016. p.11-13.
14. McClintock T. *Forensic Analysis of Biological Evidence: A Laboratory Guide for Serological and DNA Typing*. London: CRC Press; 2017. p.3-5.
15. Murphy E. *Inside the Cell: The Dark Side of Forensic DNA*. London: Public Affairs; 2018. p.41-43.
16. Lynch M, Cole S, McNally R, Jordan K. *Truth Machine: The Contentious History of DNA Fingerprinting*. Chicago: University of Chicago Press; 2020. p.39-40.
17. Goldoust Joibari R, Farhamandfar H. Humanitarian representation of scientific evidence in the criminal justice system of Iran and England with an emphasis on crimes against physical integrity. *Legal Research*. 2017; 20(77): 205-227. [Persian]
18. Semikhodskii A. *Dealing with DNA Evidence: A Legal Guide*. Hague: Routledge; 2017. p.416-417.
19. Humphrey J, Clarke K. *Wrongful Conviction: From Prevention to the Reversal of Injustice*. London: Charles Thomas Publisher; 2018. p.17-18.
20. Teimouri M, Aghamirsalim MS. Comparative study of civil and criminal responsibility due to genetic modification in Law of Iran and International documents. *MLJ*. 2010; 4(13): 87-119. [Persian]
21. Richard L. *Forensic Biology: Identification and DNA Analysis of Biological Evidence*. Hague: Taylor & Francis; 2014. p.39-41.
22. The Vice-Chancellor of Judiciary Education and Research. *Jurisprudential Consultative Theory Collection in Legal Affairs*. Tehran: Jangal; 2018. p.85. [Persian]
23. Al-Mohsani M. *Fiqh and al-Masal Tabiyyah*. Qom: Bostan Kitab; 2003. p.121. [Arabic]
24. Burqa S. The relation and influence of the new developments of the sciences in proof. *Al-Riyadh: Dar Kenuz Esbiliya*; 2007. p.25. [Arabic]
25. Abdul Rashid M. *Al-Basma Al-Warshiyah and its Authenticity*. *Al-Adl Magazine*. 2004; 23(1): 1-20. [Arabic]
26. Emami H. *Civil Rights Proofs of Claims*. Tehran: Islamia Publications; 2012. p.22, 132. [Persian]
27. Katouzian N. *Civil Rights*. Tehran: Borna; 1999. p.93. [Persian]
28. Safai H, Emami A. *Family Law Summary*. Tehran: Mizan Publications; 2005. p.24. [Persian]
29. Mohammadi A. *Sharh al-Risalai*. Qom: Dar al-Fekr; 2009. p.221, 224, 238. [Arabic]
30. Khomeini R. *Tahrir al-Wasila*. Qom: Dar al-Alam Press Institute; 2002. p.5, 14, 38. [Arabic]
31. Najafi M. *Javaher al-Aklam fi Sharh Shar'e al-Islam*. Tehran: Maktabeh al-Islamiya; 2001. p.53. [Arabic]
32. Amoli M. *Qa'aa al-Asul*. Qom: Majmaal al-Fikr al-Islami; 2011. p.93. [Arabic]

33. Ansari V. Scientific detection of crimes. Tehran: Samt Publications; 2010. p.124. [Persian]
34. Malek Afzali Ardakani M, Haeri MH, Fakhlaei MT, Arasta MJ. The Concept of Socio-political System (Nizām) and its Application in Jurisprudence and Principles. *Islamic Jurisprudence & Its Principles*. 2012; 44(1): 125-150. [Persian]
35. Bojnordi M. Qazaal al-Fiqh. Qom: Dalil Ma; 2012. p.145. [Arabic]
36. Esmein A. A history of continental criminal procedure, with special reference to France. New York: Assosiations of Americans Law Schools; 2018. p.256-257.
37. Carlson B. Criminal Justice Procedure. Hague: Routledge; 2019. p.200-201.
38. Ameri P, Yasininia H. The Role of Genetic Evidence in Affiliation Proceedings. *Family Law and Jurisprudence Journal*. 2016; 21(65): 55-81. [Persian]
39. Salarzaee AH, Rayati Hyderabad R, Abdi R. Value of Enforceable Judgment Based on Laboratory Data to other Reason. *Journal of Medical Fighh*. 2016; 8(26-27); 109-136. [Persian]
40. Kerami RA, Tohidinejad E. Examining the conflict between the mattress rule and genetic testing from a jurisprudential and legal point of view. *Jurisprudence and History of Civilization*. 2019; 5(3): 32-37. [Persian]
41. Mahmoodi N. Conflict between the Rule of Marital Paternity Presumption and DNA Test. *Analysis of Judicial Decisions Journal*. 2023; 1(2): 470-490. [Persian]